

بررسی و رتبه‌بندی استان‌های ایران با استفاده از شاخص توسعه انسانی (با تأکید بر استان کردستان)

سوما مردوخی^۱
ایرج ساعی ارسی^۲
منصور وثوقی^۳

تاریخ وصول: ۹۸/۰۶/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۱۰

چکیده

هدف توسعه، پرورش قابلیت‌های انسان است. افزایش درآمد ابزار دستیابی به توسعه جوامع است نه هدف آن و برخورداری انسان از زندگی طولانی و سالم هدف نهایی توسعه است. بهترین وسیله برای پیشبرد توسعه، توسعه انسانی است. هدف اصلی این پژوهش که از نوع توصیفی-تحلیلی است، به دست آوردن رتبه استان‌های کشور و خصوصاً استان کردستان از لحاظ شاخص توسعه انسانی در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ می‌باشد و برای رفع اختلاف مقیاسی که در بین شاخص‌های مورد بررسی وجود دارد، از تکنیک شاخص‌بندی استفاده نموده‌ایم. در این مطالعه مشاهده می‌شود، با وجود این که در طول ۵ سال، کشور ما تا حدی توانسته در جهت پیشبرد اهداف توسعه انسانی گام بردارد، اما نتایج سال ۱۳۹۰ در مقایسه با پنج سال قبل تفاوت چندانی را در رتبه استان‌های توسعه‌نیافته حاصل نیاورده است و هم‌چنان استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، لرستان و آذربایجان غربی در رتبه‌های پایین جدول حضور دارند. شاخص ترکیبی توسعه انسانی در استان کردستان نیز نشان می‌دهد که این استان به لحاظ توسعه انسانی در وضعیت نامطلوبی قرار گرفته است. به طوری که رتبه بیست‌ونهم و سی‌ام را در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به خود اختصاص داده و گویای این حقیقت است که در طول سال‌های متمادی این رتبه پیشرفتی نداشته است.

واژگان کلیدی: توسعه، توسعه‌یافتگی، توسعه انسانی، استان کردستان.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، گروه علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، واحد ایهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ایهر، ایران. (نویسنده مسئول).

saiearasi@gmail.com

۳- استاد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

توسعه، توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی از دیرباز از مباحث بسیار مهم و اغلب چالش‌برانگیز در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی بوده است. «توسعه» مفهومی کلیدی است که موضوعات گوناگونی را در اندیشه و رفتار جوامع، در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در برمی‌گیرد. هدف توسعه، پرورش قابلیت‌های انسان و گسترش امکانات اوست. برخورداری انسان از زندگی طولانی، سالم و اخلاق در محیط غنی در جامعه مدنی دموکراتیک، هدف نهایی توسعه است. افزایش درآمد و گسترش اشتغال ضروری است اما این دو، وسیله توسعه هستند نه هدف آن. به‌طور خلاصه، می‌توان گفت انسان، هدف توسعه و درعین حال محور توسعه است (محمدعلی‌خانی، ۱۳۹۱: ۴۱۷). توسعه باید به بهبود شرایط زندگی مردم و ارتقای شأن و استعداد آن‌ها به‌عنوان انسان نظر داشته باشد. فرآیند توسعه تنها با همکاری و تعهد آن‌ها عملی می‌شود و برای به‌دست آوردن و حفظ توسعه سه چیز لازم است: اول، سیاست توسعه باید با نیازهای مردم، آن‌گونه که خود آن‌ها تشخیص می‌دهند، رابطه مستقیم داشته باشد. دوم، آن‌ها باید برای مشارکت در تدوین و اجرای این سیاست، به‌طور کامل و فعّالانه ترغیب و توانا شوند. سوم، دستاوردهای حاصله باید در قالب بهبود بلافصل و محسوس شرایط زندگی آن‌ها انعکاس یابند (مهدوی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۵۷). مفهوم توسعه، برخلاف رشد که ریشه در ترقی شاخص‌های اقتصادی و به‌خصوص درآمد سرانه دارد، به‌معنای ارتقای همه شاخص‌های تأثیرگذار بر کیفیت زندگی معنوی و مادی انسان‌هاست (زیباری و دیگران، ۱۳۹۰: ۲) و هنگامی همه‌جانبه و پایاست که بتواند همه زمینه‌های زندگی را بپوشاند نه این‌که صرفاً اقتصادی و افزایش نرخ رشد تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه باشد (نراقی، ۱۳۸۰: ۱۱۹).

توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی نیز، شکل‌هایی از دگرگونی‌های اجتماعی هستند که به دنبال روابط و کنش و واکنش‌های اجتماعی در جوامع انسانی بر اثر برخورد متقابل سه پدیده‌ی اجتماعی به‌وجود می‌آیند. این سه پدیده‌ی اجتماعی عبارتند از: نابرابری‌ها، تضادها و دگرگونی‌های اجتماعی. پدیده توسعه‌نیافتگی، فرآیند ماهیت روابط و کنش و واکنش خاص این سه پدیده است (سیف‌اللهی، ۱۳۷۴: ۱۴). وجود نابرابری‌های منطقه‌ای و ملی از نشانه‌های مهم توسعه‌نیافتگی است و کشورهای توسعه‌یافته، علاوه بر این‌که از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بالایی برخوردارند، توزیع درآمد و امکانات نیز در آن‌ها نسبتاً عادلانه است؛ اما در کشورهای توسعه‌نیافته، هم مقادیر این شاخص‌ها پایین است و هم توزیع آن بسیار ناعادلانه است (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۵۶). در حقیقت، این نظریه که توسعه ملی از طریق توسعه‌ی منطقه‌ای ممکن است و توسعه‌ی منطقه‌ای از مسیر توسعه ملی شکل می‌گیرد، با تجربه اتحادیه اروپا و همکاری‌های منطقه‌ای در شرق آسیا عینیت یافته است (تائب، ۱۳۸۶: ۱۶۷). در نتیجه، فرآیند برنامه‌ریزی و توسعه، شناخت وضع موجود و سطح توسعه‌یافتگی، بررسی تفاوت‌های منطقه‌ای در زمینه توسعه، تبیین عوامل مؤثر در توسعه و نهایتاً

تلاش برای حل مسایل و مشکلات و تأمین نیازها در راستای تعدیل نابرابری‌های موجود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (خاکپور و باوان‌پوری، ۱۳۸۹: ۳).

در سال‌های اخیر برنامه‌های توسعه اقتصادی و عمرانی از این جهت که در نیل به اهداف توسعه‌ای چون رفاه و بهزیستی انسان‌ها و بالا بردن کیفیت موفق نشدند و عمده تأکید آن‌ها بر شاخص‌های کمی چون افزایش درآمد ملی و درآمد سرانه بود، مورد نقد و موشکافی قرار گرفتند. این امر به‌خصوص از طرف محافل بین‌المللی چون سازمان ملل مورد توجه ویژه‌ای واقع شد که حاصل چنین توجهی طرح مفهوم توسعه انسانی است که در آن، هدف اساسی توسعه - که ایجاد محیطی توان‌بخش برای مردم است تا به‌واسطه آن از حیاتی طولانی، سالم و خلاق برخوردار شوند - مورد توجه قرار گرفته است (ازکیا، ۱۳۸۴: ۵۲-۵۱). در حقیقت، درون مایه توسعه انسانی این است که توسعه باید چیزی بیشتر از افزایش درآمد و دارایی باشد. کانون توجه توسعه، باید انسان باشد و در کنار آن، هدف‌های بزرگی چون کاهش بنیادی فقر و امکان برخورداری عادلانه شهروندان از فرصت‌های اقتصادی را دنبال کند (مضطرزاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴). مفهوم توسعه انسانی، رویکردی کل‌نگر به زندگی بهتر است که به پرورش استعدادها و قوای ذهنی در کنار مصرف کالاها و خدمات تأکید دارد و با هدف قرار دادن زندگی بهتر افق پویایی را فرا روی انتخاب‌های انسانی قرار می‌دهد (آذر و غلامرضایی، ۱۳۸۵: ۱۵۷).

تا قبل از دهه ۱۹۷۰ درآمد سرانه هر کشور به‌عنوان مبنای سنجش میزان توسعه‌یافتگی کشورها در نظر گرفته می‌شد. بدین منظور محققین برای رفع این مشکل، شاخصی به نام شاخص توسعه انسانی یا HDI را به‌عنوان مقیاس اندازه‌گیری توسعه معرفی کردند. اساس معرفی این شاخص بر این ایده استوار است که لازمه پیشرفت جوامع علاوه بر رسیدن به رفاه اقتصادی، پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است. در این دیدگاه، شاخص توسعه انسانی درصد اندازه‌گیری سه ظرفیت اساسی «کسب دانش»، «دسترسی به امکانات مادی لازم برای زندگی» و «برخورداری از عمری طولانی توأم با سلامتی» است (صادقی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۸۴). در اولین گزارش توسعه انسانی در سال ۱۹۹۰، توسعه به‌صورت فرآیند گسترش انتخاب‌های انسانی تعریف شده است. واژه انتخاب لزوماً به مردم برمی‌گردد و منظور آن است که مردم در کانون توسعه قرار دارند و اعتلای زندگی آنان، اساس توسعه است (محمودی، ۱۳۸۸: ۸۴).

مفهوم توسعه انسانی برای نخستین بار از سوی نظریه‌پردازانی به نام آناند و سن^۱ مطرح شد؛ بنابه تعریف آن‌ها، توسعه انسانی عبارت است از فرآیند گسترش انتخاب مردم و ارتقای سطح رفاه. این انتخاب‌ها در طول زمان و مکان متفاوت بوده، ممکن است تا بی‌نهایت گسترش یابد (آناند و سن، ۱۹۹۶). این رویکرد شیوه‌ای

1- Anand & Sen

جدید از اندازه‌گیری رفاه انسانی است که گذشته از تأکید بر معیار تولید ناخالص داخلی یا درآمد سرانه، ترکیبی از سه بخش بهداشتی، آموزشی و اقتصادی شامل برخورداری از زندگی طولانی و سالم، دستیابی به دانش و توانایی دستیابی به منابعی برای زندگی مناسب است (بد و رامچاندرا^۱، ۲۰۰۸؛ گرای^۲، ۲۰۰۵). هر یک از این عناصر، نه تنها بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، می‌توانند در ساختار اقتصادی یک کشور نیز اثر به‌سزایی داشته باشند. منابع انسانی آگاه و سالم و منابع درآمدی کافی از لازمه‌های رسیدن به رشد اقتصادی است. نیروی انسانی آموزش دیده و آگاه در افزایش بهره‌وری و پیشرفت تکنولوژی اهمیت ویژه‌ای داشته و در نهایت زمینه لازم را برای دستیابی به رشد اقتصادی و درآمد سرانه بالاتر فراهم می‌کند. با افزایش درآمد سرانه و به تبع آن درآمد یک کشور، میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری داخلی نیز افزایش می‌یابد. در نتیجه، کشور به استقلال اقتصادی و خودکفایی خواهد رسید. بنابراین برای رسیدن به اقتصادی پویا همراه با رشد سریع، باید به تربیت نیروهای انسانی پرداخت و زمینه را برای افزایش طول عمر همراه با سلامتی فراهم کرد (دهمرد و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۷۲).

شاخص توسعه انسانی^۳، وسیله‌ای برای اندازه‌گیری پیشرفت انسانی در یک بافت مقایسه‌ای بین‌المللی، ملی و منطقه‌ای است (جمعه‌پور، ۱۳۸۵: ۲۲۵). هم‌چنین، از شاخص‌های مهم توسعه‌یافتگی است که کاربردهای بسیاری در سطح ملی و بین‌المللی دارد. همان‌طور که روند توسعه‌یافتگی در کشورهای مختلف جهان دارای مراتب گوناگون است، در داخل یک کشور نیز روند توسعه‌یافتگی در بین استان‌ها و مناطق مختلف یکسان نیست. شاخص کلی یک کشور این حقیقت را که گروه‌های مختلف داخل آن برای مثال مردان و زنان و گروه‌های مختلف قومی، مناطق و طبقات اجتماعی که از لحاظ توسعه انسانی در سطوح متفاوتی قرار دارند را از نظر می‌پوشاند و این شاخص امکان مقایسه بامعناتری را در میان مناطق و در طول زمان فراهم خواهد کرد و برای نمایاندن نابرابری‌های درون کشورها بهترین نماگر این شاخص‌ها می‌باشند (ابراهیم‌پور، ۱۳۸۹: ۴).

بی‌تردید موقعیت ممتاز ژئوپولیتیک ایران بر کسی پوشیده نیست؛ لیکن این امتیاز را زمانی می‌توان هرچه بیشتر به سود منافع ملی سوق داد که با نگاهی به درون، تفاوت‌های اجتماعی-اقتصادی از نظر شاخص‌های اصلی توسعه در قلمرو ملی و منطقه‌ای به حداقل ممکن رسیده شود (شایان، ۱۳۸۳: ۷۱). توسعه‌یافتگی انسانی استان‌های کشور با توجه به عوامل مختلف اقتصادی-اجتماعی ممکن است دارای روندی متناسب نباشد؛ به عبارت دیگر، به علت امکانات بالقوه منطقه‌ای یا استانی ممکن است توسعه در بخش‌های مختلف

1- Bed & Ramachandran

2- Garai

3- Human Development Index (HDI)

بررسی و رتبه‌بندی استان‌های ایران با استفاده از شاخص توسعه انسانی ...

جامعه با یکدیگر متجانس نباشد و این امر ضرورت مطالعه توسعه را در شهرها و استان‌های کشور اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. درک و شناخت وضعیت استان‌های ایران و نقاط قوت و ضعف آن‌ها و نشان دادن توان‌ها و کمبودهای آن‌ها در برنامه‌ریزی‌ها، نه تنها موجب ارایه طرح‌ها و برنامه‌های غنی‌تر می‌گردد، بلکه نوعی ضرورت محسوب می‌شود. میزان توسعه انسانی هر استان معیاری برای تعیین جایگاه آن به‌شمار می‌آید که در مقایسه استان‌ها و ارایه برنامه‌های توسعه مورد استفاده قرار می‌گیرد. هم‌چنین بررسی وضعیت آن، می‌تواند راهنمای مسؤولان آن جامعه برای تدوین سیاست‌های مناسب اقتصادی هم‌چون ایجاد اشتغال، توزیع عادلانه درآمد، حذف انحصارات، تخصیص بهینه منابع و هزینه‌ها، کاهش فقر و شتاب در دگرگونی‌های نهادی باشد (ابراهیم‌پور، ۱۳۸۹: ۴-۵).

با توجه به مزیت‌های هر منطقه، توسعه باید منطقه‌ای تعریف شود. به اعتقاد نگارندگان، دولت لزوماً نه تنها باید به استان‌های کمتر توسعه‌یافته توجه ویژه‌ای نشان دهد، بلکه بر این اعتقادیم که باید مشخص شود استانی مانند کردستان، می‌تواند چه نقشی در توسعه کشور ایفا کند و با توجه به این نقش، توسعه منطقه‌ای را شکل دهیم. این پازل با شناسایی مزیت‌ها و ظرفیت‌های هر منطقه تکمیل شده و در نهایت منجر به توسعه منطقه‌ای و ملی خواهد شد. قلمرو مطالعات گردش‌شناسی از اهمیتی به‌سزا برخوردار است. این اهمیت زمانی بسیار چشمگیر و برجسته می‌شود که برنامه‌ریزان اقتصادی و اجتماعی درصدد سرمایه‌گذاری در حوزه‌های متفاوت نظام اجتماعی در این نواحی باشند، یا کسانی در پی آن باشند که وضعیت و جایگاه کردستان را در مدار توسعه و پیشرفت اجتماعی دریابند. بدون داشتن چشم‌اندازی از توسعه استان‌ها برنامه‌ریزی برای آینده آن‌ها غیرممکن است و از آنجایی که شاخص‌های توسعه انسانی بهترین شاخص‌های تلفیقی برای داشتن نمایی از توسعه است، از این رو در مطالعه‌ی حاضر به بررسی وضعیت استان‌های ایران و هم‌چنین جایگاه استان کردستان در بین سایر استان‌های کشور با استفاده از این شاخص پرداخته شده است و در پی پاسخ به سوالاتی ذیل بوده‌ایم:

- ۱- وضعیت و رتبه‌بندی توسعه‌یافتگی استان‌های کشور به چه صورت است؟
- ۲- وضعیت توسعه‌یافتگی استان کردستان در مقایسه با سایر استان‌های کشور چگونه است؟
- ۳- شاخص‌های توسعه انسانی در استان کردستان به چه میزان است؟

تحقیقاتی نیز در ارتباط با موضوع مطالعه حاضر انجام گشته است که به مواردی از آن اشاره می‌نماییم: ابراهیم‌پور (۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان «رتبه‌بندی استان‌های ایران بر اساس شاخص‌های توسعه انسانی در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵» به بررسی و مقایسه و رتبه‌بندی استان‌های کشور، مناطق شهری و روستایی کشور در فاصله یک دوره ده ساله پرداخته است. در این تحقیق مشخص شد که بین استان‌های ایران از لحاظ توسعه انسانی نابرابری‌های بسیاری وجود دارد. استان‌های تهران و اصفهان برترین استان‌های

ایران از لحاظ توسعه و استان‌های سیستان و بلوچستان و کردستان از محروم‌ترین مناطق کشور هستند. از نتایج دیگر این بررسی این است که الگوی توسعه در ایران الگوی مرکز- پیرامون می‌باشد؛ مناطق توسعه‌یافته یا مرکز در طول این ۱۰ سال همچنان برتری خود را حفظ کرده‌اند و مناطق توسعه‌نیافته نیز عمدتاً مناطق حاشیه‌ای و مرزی کشور هستند و با مناطق توسعه‌یافته فاصله زیادی دارند و در این مدت علی‌رغم بهبود محسوس در شاخص‌های توسعه آن‌ها، سرعت آن در مقایسه با مناطق مرکزی کشور، کم‌تر بوده است.

صفایی‌پور و مودت (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی استان‌های ایران با تأکید بر شاخص‌های اجتماعی- اقتصادی و شاخص ترکیبی توسعه انسانی با استفاده از تکنیک TOPSIS و GIS» به شناسایی استان‌های توانمند و یا دارای محدودیت توسعه‌یافتگی می‌پردازد که نتیجتاً نشان می‌دهد که استان‌های تهران و سمنان به ترتیب بیش‌ترین و کم‌ترین میزان شاخص توسعه انسانی را داشتند.

دهمدره و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با عنوان «ارزیابی شاخص توسعه انسانی در استان سیستان و بلوچستان» که به بررسی و تحلیل شاخص HDI در طول سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ می‌پردازد، نتیجه می‌گیرند که طی دوره زمانی مورد نظر، شاخص توسعه انسانی دارای روندی افزایشی بوده و در میان شاخص‌های HDI شاخص درآمد نتوانسته است سهم قابل قبولی در روند صعودی استان داشته باشد، لذا توجه به سیاست‌ها و راهکارهایی جهت افزایش درآمد سرانه خانوارها ضروری می‌باشد. در همین راستا، باصری و فرهادی‌کیا (۱۳۸۷) در مطالعه خود با عنوان «تحلیل عوامل مؤثر بر شاخص توسعه انسانی در استان زنجان» به این نتیجه می‌رسد که مقدار عددی شاخص توسعه انسانی در استان زنجان کم‌تر از متوسط کل کشور است و در میان اجزای تشکیل دهنده شاخص HDI، شاخص درآمدی استان در مقایسه با شاخص درآمدی کشور دارای شکاف قابل ملاحظه‌ای است و نیازمند سرعت بخشیدن به سرمایه‌گذاری فیزیکی و انسانی در بهبود روند شاخص توسعه انسانی است.

خاکپور و باوان‌پوری (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «بررسی شاخص توسعه انسانی در کشورهای اسلامی» به این نتیجه رسیدند که کشورهای اسلامی از نظر شاخص توسعه انسانی تفاوت‌های زیادی با هم دارند و در کل از کشورهای در حال توسعه و کشورهای جهان پایین‌تر است. از نظر درجه توسعه مناطق کشورهای اسلامی به ترتیب عبارتند از غرب آسیا، جنوب و جنوب شرق آسیا و آفریقا.

بختیاری و همکاران (۱۳۸۵) مطالعه‌ای با عنوان «بررسی جایگاه استان‌های کشور از منظر شاخص توسعه انسانی» را به انجام رسانده‌اند. بررسی نتایج حاصل از ابعاد سه‌گانه شاخص توسعه انسانی بیانگر آن است که در سنج امید به زندگی استان‌های تهران، گیلان، اصفهان، یزد، قزوین، سمنان، قم، فارس، خوزستان و مازندران به ترتیب به‌عنوان استان‌های پیش‌رو در این زمینه مطرح شد. در سنج دانش، برترین استان‌های

بررسی و رتبه‌بندی استان‌های ایران با استفاده از شاخص توسعه انسانی ...

کشور به ترتیب استان‌های تهران، سمنان، اصفهان، یزد، فارس، قم، مازندران، کرمان، گیلان و خوزستان بوده و استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، تهران، مرکزی، هرمزگان، بوشهر، قزوین، یزد، اصفهان و ایلام برترین استان‌های کشور از نظر درآمد سرانه به‌شمار می‌روند. آنچه حایز اهمیت است این است که اختلاف امتیاز قابل توجهی بین استان‌های کشور در سنجه درآمد سرانه نسبت به دو سنجه دیگر یعنی سطح دانش و امید به زندگی سبب گردیده است تا استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و خوزستان جزو استان‌های برتر از نظر شاخص توسعه انسانی قرار گیرند.

نتایج بررسی صادقی و همکاران (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان «توسعه انسانی در ایران» نشان می‌دهد که وضعیت توسعه انسانی کشور در سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ۱۳۷۵ بهبود یافته است، اما علی‌رغم بهبود توسعه انسانی در ایران، به دلیل عدم برخورداری یکسان استان‌ها از امکانات آموزشی، بهداشتی و درآمدی، اختلاف شاخص توسعه انسانی در سطح استان‌ها بسیار زیاد است.

حسین زاده دلیر و ملکی (۱۳۸۵) در مطالعه خود تحت عنوان «بررسی وضعیت شاخص‌های توسعه انسانی در استان ایلام»، استان‌های کشور به‌ویژه استان ایلام را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. به‌طور کلی، آنچه که از بررسی شاخص‌های توسعه انسانی استان‌های کشور دریافت می‌شود، عدم توجه به استان‌های محروم کشور با وجود اثبات محرومیت در آن‌ها در طول سالیان گذشته است، به‌گونه‌ای که استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، اردبیل و کهگیلویه و بویراحمد در پایین‌ترین سطح توسعه انسانی نسبت به سایر استان‌های کشور قرار گرفته‌اند؛ که پایین بودن سطح درآمدها، سطح پایین سرمایه‌گذاری زیربنایی و کیفیت پایین زندگی از جمله دلایل مهم در این خصوص است. عامل مشترکی که روند توسعه انسانی اکثر استان‌ها به چشم می‌خورد، این است که شاخص‌های آموزشی و امید به زندگی آن‌ها در مقایسه با شاخص درآمدی در وضعیت بهتری قرار دارند.

نخستین گزارش ملی توسعه انسانی ایران در سال ۱۳۷۸ با همکاری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و دفتر نمایندگی سازمان ملل متحد در ایران انتشار یافت. این گزارش به کمک تحلیل روند شاخص‌های توسعه انسانی و بررسی تفصیلی ابعاد مختلف جمعیتی، آموزش اقتصادی، سیاسی، بهداشتی و زیست محیطی و توجه به وضعیت توسعه انسانی زنان در جمهوری اسلامی ایران، دستاوردها و چالش‌های توسعه انسانی در کشور را به تصویر می‌کشد. تحلیل روند شاخص توسعه انسانی کشور در این گزارش نشان می‌دهد که شاخص‌های آموزشی، بهداشتی در کشور پیشرفت چشم‌گیر داشته ولی درآمد سرانه از رشد چندانی برخوردار نبوده است.

میشرا و همکاران^۱ (۲۰۰۶) مقاله‌ای با عنوان «یادداشتی بر شاخص‌های توسعه انسانی با استفاده از برابری درآمدی» به نگارش درآوردند که در آن از شاخص جینی ۱۲۵ کشور دنیا و سه مؤلفه دیگر شاخص توسعه انسانی استفاده نمودند. نتایج به دست آمده، با توجه به این که توزیع درآمد را در محاسبه شاخص توسعه انسانی وارد می‌کند، تصویر گویاتری از شاخص توسعه انسانی به نمایش در می‌آورد. همان‌طور که انتظار می‌رفت، نتایج به دست آمده با نتایج سازمان ملل متفاوت بود.

مایکل گریم و همکاران^۲ (۲۰۰۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «شاخص توسعه انسانی با استفاده از درآمد گروه‌ها» با توجه به عدم نابرابری در محاسبه شاخص توسعه انسانی، روشی را پیشنهاد می‌دهند که به وسیله آن می‌توان شاخص توسعه انسانی را برای افراد فقیر و غیرفقیر کشورها، محاسبه و مقایسه کرد. نتایج نشان می‌دهند که اختلاف در شاخص توسعه انسانی بین کشورها، به خصوص کشورهای آفریقایی زیاد می‌باشد و هر چه این شاخص افزایش می‌یابد، اختلاف بین کشورها کاهش می‌یابد. علاوه بر این، نابرابری درآمدی از نابرابری در تحصیلات و طول عمر بیش تر است.

اریک نیومیر^۳ (۲۰۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل شاخص توسعه انسانی و پایداری» به بررسی رابطه بین توسعه انسانی و پایداری پرداخت. نتایج وی نشان می‌دهد که بین ۱۵۵ کشور مورد بررسی ۴۲ کشور ناپایدار بوده‌اند که اغلب آن‌ها دارای شاخص توسعه انسانی پایین هستند. وی در ادامه پیشنهاد می‌دهد که با توجه به مصبت بودن رابطه این دو شاخص، به منظور افزایش پایداری می‌بایست متغیرهای شاخص توسعه انسانی را افزایش داد.

استیون مورس^۴ (۲۰۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل بهتر یا بدتر شدن شاخص توسعه انسانی برای ما؟» به بررسی روش‌های مختلف محاسبه شاخص توسعه انسانی از سال ۱۹۹۰ تا کنون برای ۱۱۴ کشور می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که در برخی موارد رتبه کشورها بین ۱۰ تا ۱۵ واحد تغییر داشته‌اند. وی در ادامه پیشنهاد می‌دهد که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشورها به افزایش متغیرهای این شاخص توجه ویژه‌ای داشته باشند.

نوربخش^۵ (۱۹۸۷) در تحقیقی تحت عنوان شاخص‌های توسعه انسانی تعدیل شده (MHDI) به بررسی این شاخص بین کشورهای مختلف می‌پردازد. شاخص پیشنهادی وی بر اساس قسمت‌هایی از شاخص‌های توسعه انسانی پایه‌گذاری شد. بر این اساس، کانادا جایز رتبه اول و دانمارک رتبه بیستم بوده است.

- 1- Mishra, et' all
- 2- Grimm. M. et'all
- 3- Neumayer. E
- 4- Morse. S
- 5- Noorbakhsh

عموم نظریه‌ها، الگوها و رهیافت‌های مربوط به توسعه، به‌طور قطعی و یا نسبتاً قطعی، امکان تحقق توسعه و استقرار شرایط توسعه‌یافتگی را امری مسلم فرض نموده‌اند. در واقع، بر اساس همین فرض است که راهکارهایی برای گذار از وضعیت توسعه‌نیافتگی به وضعیت توسعه‌یافتگی عرضه شده است (افشارکهن، ۱۳۸۶: ۴۳). در این میان، نظریه‌پردازان نوسازی هستند که عمده تأکید خود را بر شرایط درونی و داخلی کشورها به‌عنوان عوامل مؤثر بر وضعیت توسعه قرار داده‌اند. دیدگاه نوسازی به‌عنوان یکی از دیدگاه‌های غالب در ادبیات توسعه مطرح می‌باشد. از نظر این پارادایم، نوسازی عبارت است از «تغییر از آداب و رسوم و نظام اجتماعی سنتی به سمت آداب و رسوم و نظام اجتماعی - نهادی مدرن ولو این تغییر و ترقی به‌صورت ارادی و یا اجبار صورت گیرد (محمدپور، ۱۳۸۳: ۲۲۷). بر اساس نظریه‌های نوسازی، عوامل داخلی در کشورها از جمله بی‌سوادی، ساختار کشاورزی سنتی، نگرش سنتی به جمعیت، تقسیم پایین نیروی کار، فقدان ارتباطات و زیرساخت‌ها و غیره مسئول عقب‌ماندگی هستند. در نتیجه، تغییر در این عوامل درون‌زا، راهبرد توسعه است (کوهن^۱، ۱۹۸۷: ۲).

در این راستا، تغییر در برداشت انسان از بعد کاملاً سنتی و تبدیل شدن آن به معنایی مدرن و خلاق، گامی مهم در رسیدن به توسعه بود. در نظریات کلاسیک، انسان به‌عنوان یکی از نهاده‌های تولید در چرخه تولید کالاها و خدمات مورد توجه بوده و انباشت سرمایه عاملی کلیدی در رشد و توسعه اقتصادی به‌شمار می‌رفته است. انسان بودن عامل کار و تفاوت ماهوی آن با عامل سرمایه، در عمل به فراموشی سپرده شده بود. آرام انسان بودن عامل کار در چارچوب اصطلاح «نیروی انسانی^۲» به‌جای «نیروی کار^۳» پا گرفت. مارکس به اهمیت نیروی انسانی و کار نیز به‌علت نقش آن در انباشت سرمایه‌های فیزیکی نظر داشت و رشد انباشت سرمایه را مایه گرفته از افزایش ساعات کار و افزایش شتاب تولید در پرتو بهبود کارایی و بهره‌وری نیروی کار می‌دانست. پس از آن، شومپیتر به نقش نوآوران و مبتکران که عهده‌دار هدایت سرمایه را به‌عهده داشتند، توجه ویژه کرد و سود به‌دست آمده از نوسان‌های دینامیک برآمده از نوآوری و اختراع را عامل اساسی تشکیل سرمایه فیزیکی دانست. شومپیتر هم‌چنین بر نقش کارآفرینان، یعنی انسان‌هایی که فراتر از یک عامل صرف تولید دارای توانایی‌های ویژه کارآفرینی هستند انگشت گذاشت و بدینسان پایه‌های همسنگ شدن نیروی انسانی با سرمایه گذاشته شد (محمودی، ۱۳۸۵: ۲۲۱). رویکرد توسعه انسانی نیز در واقع بازتاب نگاهی تکاملی به اندیشه‌های توسعه بود؛ اما نکته ظریفی که در آن از نظر دور مانده بود: فرآیند و چگونگی رسیدن انسان‌ها به جایگاه فاعل توسعه (نه عامل توسعه). از این روی در روند دگرگونی جایگاه انسان در اندیشه‌های

1- Kuhn

2- Human Force

3- Labor Force

توسعه، دیدگاه‌های تازه‌ای مطرح شد که بر افزایش توانمندی‌های انسانی تأکید داشت؛ توانمندی‌هایی که در فرآیند توسعه نقش فاعلی به انسان می‌بخشد و فراخ‌تر شدن دامنه‌گزینه‌های او را ممکن می‌سازد (همان: ۲۲۳).

عناصر اصلی در الگوی توسعه انسانی، بهره‌وری، برابری، پایداری و توانمندسازی است. در قالب این الگو، بهره‌وری، مشارکت فعال مردم در فرآیند درآمدزایی و اشتغال به‌شمار می‌آید. برابری، به امکان مساوی کسب قابلیت‌ها و فرصت به‌کارگیری آن‌ها مربوط می‌شود. پایداری، به مفهوم امکان ذخیره و جبران هر نوع سرمایه فیزیکی، انسانی و زیست محیطی است و توانمندسازی به این معنی به‌کار رفته است که توسعه توسط مردم صورت گیرد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۷۸). کشوری که قادر به افزایش دانش و آگاهی انسان‌ها باشد و راه درست بهره‌گیری از سرمایه‌های انسانی را بیاموزد، در فرآیند توسعه موفق‌تر خواهد شد. امروزه مزیت دسترسی به منابع طبیعی و موفقیت در رقابت‌های اقتصادی بین‌المللی، جای خود را به مزیت بهره‌مندی از نیروی انسانی محقق، خلاق و مبتکر داده است؛ نیرویی که قادر است منابع و امکانات لازم توسعه را بیافریند (محمودی و زالی، ۱۳۸۳: ۳۸).

در حقیقت نوسازی فرآیند گسترده‌ای است که ابعاد وسیعی از حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها را در برمی‌گیرد و در سطوح مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و روانی قابل بررسی است (ازکیا، ۱۳۸۴: ۱۶۷). این پارادایم برای عرضه نسخه‌های جهان‌شمول توسعه، در اصول و مبانی نظری / فلسفی خود، نظریه تغییر اجتماعی، مفهوم‌بندی واژه مدرن، طرح‌های تکاملی و تغییرمندی، روش دستیابی به توسعه و نقش کارگزاران و نخبگان را در مسیر نهادینه کردن و به‌راه‌انداختن نوسازی مشخص کرد و یک دورنمای منسجم نظری ارائه داد که تا به امروز اهمیت اساسی خود را از دست نداده است (Brenstein, 2002: 143-145). به نقل از محمدپور، ۱۳۸۳: ۲۲۷).

روش

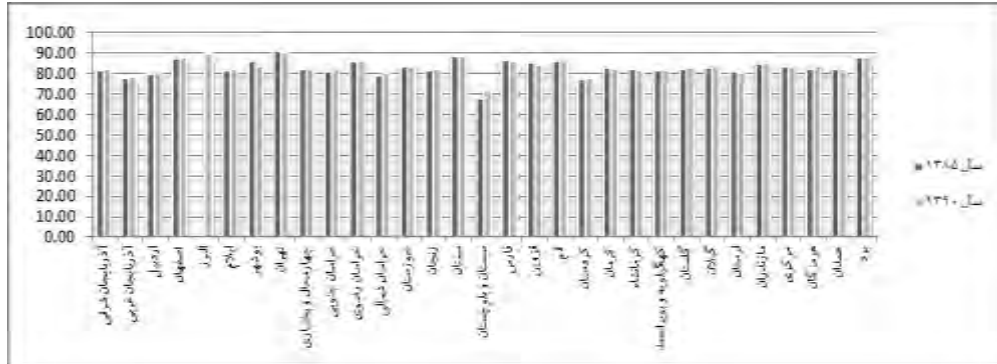
در این پژوهش که از نوع توصیفی-تحلیلی است، به‌منظور مرور و جمع‌آوری مبانی مورد نیاز، از اطلاعات مرسوم به شیوه کتابخانه‌ای استفاده شده و داده‌های مورد نیاز از نتایج آخرین سرشماری رسمی نفوس و مسکن کشور (مرکز آمار ایران ۱۳۹۰)، سالنامه‌های آماری، مراکز آمار و اطلاعات مؤسسات آموزش عالی، مرکز بهداشت دانشگاه علوم پزشکی کردستان در دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ استخراج شده است. در مرحله بعد، شاخص‌های درآمدی، آموزشی و بهداشتی محاسبه شده‌اند و به کمک آن‌ها شاخص توسعه انسانی برای استان کردستان و سایر استان‌های کشور بررسی و تجزیه و تحلیل شده است.

در بحث سنجش توسعه، اگر تنها یک شاخص مانند درآمد سرانه و یا شاخص‌هایی نظیر آن مورد استفاده قرار گیرند، قضاوت در مورد وضعیت هر منطقه کار آسانی است. اما مشکل زمانی بروز می‌کند که با یک تحلیل چند متغیره مواجه باشیم و بخواهیم تعدادی نماگر را به یک شاخص ترکیبی تبدیل کنیم تا بتوانیم براحتی واحدهای جغرافیایی مورد مطالعه را با همدیگر مقایسه کنیم. از آن‌جا که شاخص‌های مورد استفاده دارای مقیاس مشترکی نیستند و بعضی مانند نرخ باسوادی، به درصد و یا درآمد سرانه به ریال می‌باشد، بنابراین جمع کردن این شاخص‌ها با مقیاس‌های متفاوت امکان‌پذیر نمی‌باشد. به همین دلیل ضروری است که این شاخص‌ها به واحدهای استاندارد تبدیل شوند تا امکان جمع کردن آن‌ها فراهم گردد. هرچند که انتخاب روش برای «رفع اختلاف مقیاس»^۱ و دستیابی به مقیاس استاندارد خالی از ارزش‌های محقق نیستند، اما قدم‌هایی است که برای دستیابی به یک شاخص ترکیبی باید برداشته شود؛ برای رفع اختلاف مقیاس‌ها، لازم است که شاخص‌های انتخاب شده به شاخص‌هایی مجرد و خالی از مقیاس تبدیل شوند تا امکان جمع کردن متغیرهای مختلف با همدیگر فراهم گردد. برای انجام این کار روش‌های آماری زیادی وجود دارد که هر یک از آن‌ها دارای نقاط قوت و ضعف خاص خود می‌باشند (کلانتری، ۱۳۹۲: ۱۲۳). یکی از روش‌هایی که به‌طور وسیع در مطالعات منطقه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، تکنیک شاخص‌بندی است. در این روش بیش‌ترین مقدار هر شاخص معادل ۱۰۰ در نظر گرفته شده و بقیه مقادیر نسبت به آن از طریق تناسب‌بندی محاسبه می‌گردند (همان: ۱۳۴).

یافته‌ها

شاخص‌های توسعه انسانی در ایران؛ همان‌طور که در قسمت‌های قبل نیز ذکر شد، شاخصی به نام توسعه انسانی یکی از شاخص‌هایی است که برای نشان دادن توسعه اقتصادی کشورها استفاده می‌شود؛ هم‌چنین یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها با توجه به جایگاه و نقش مؤثر نیروی انسانی در راستای برنامه‌های توسعه و ترسیم نمای کلی از کشور در افق ۱۴۰۴ است و ضرورت تأکید و توجه بیش‌تر به ابعاد انسانی توسعه استان‌ها به‌ویژه بر استان‌های کم‌برخوردار را آشکار می‌نماید. شاخص توسعه انسانی یک شاخص ترکیبی است که سه عامل طول عمر، دانش و رفاه اقتصادی را بررسی می‌کند و بی‌شک هرگونه بهبود در پارامترهای آن، سطح توسعه انسانی را افزایش می‌دهد.

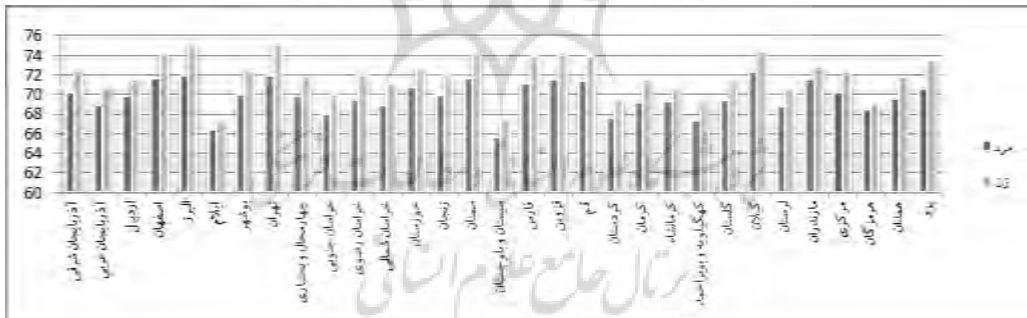
مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال شانزدهم، شماره شصت و سوم، زمستان ۱۳۹۸



نمودار (۱): شاخص آموزشی در استان‌های ایران در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

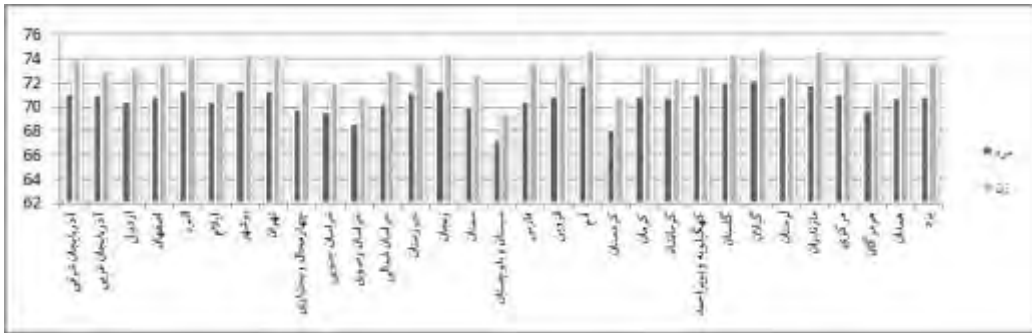
(منبع: مرکز آمار ایران)

شاخص آموزشی که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، نشان می‌دهد که تمامی استان‌های کشور از سطح سواد خوبی برخوردارند؛ لذا در سال ۱۳۸۵ استان‌های تهران (۹۱/۳) و سمنان (۸۸/۶) رتبه‌های اول و دوم را در شاخص آموزشی دارند و استان‌های کردستان (۷۷/۵) و سیستان و بلوچستان (۶۸/۰) به ترتیب آخرین رتبه‌ها را دارند. در سال ۱۳۹۰ نیز استان‌های تهران (۹۰/۵) و البرز (۹۰/۲) دارای بالاترین رتبه‌ها در کشور هستند و استان‌های کرمان (۷۸/۰) و سیستان و بلوچستان (۷۱/۶) جزو آخرین رتبه‌های استانی در کشور هستند.



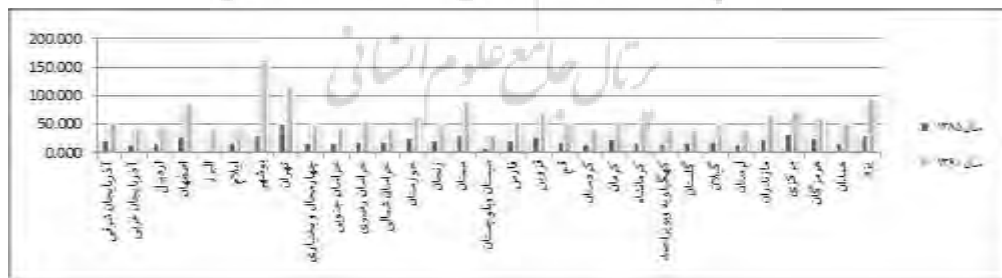
نمودار (۲): شاخص امید به زندگی در سال ۱۳۸۵

بررسی و رتبه‌بندی استان‌های ایران با استفاده از شاخص توسعه انسانی ...



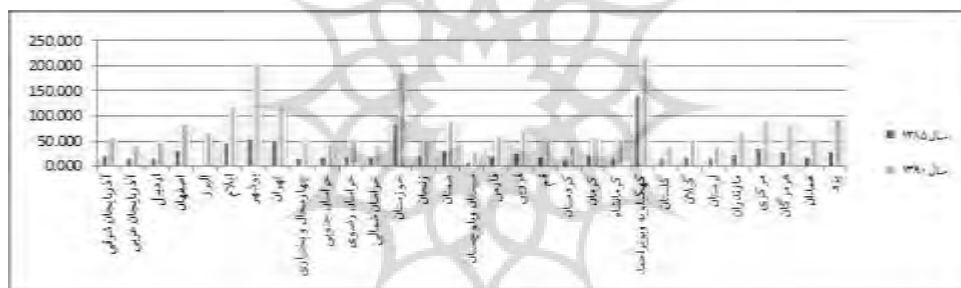
نمودار (۳): شاخص امید به زندگی در سال ۱۳۹۰

میانگین شاخص امید به زندگی بین ۶۶ سال تا ۷۳ سال در نوسان است، لیکن تفاوت آشکاری بین استان‌های کشور مشاهده نمی‌شود؛ با این وجود، بالاترین میزان امید به زندگی در کشور در سال ۱۳۸۵ مربوط به استان تهران می‌باشد که ۷۱/۹ سال برای زنان و ۷۵/۱ سال برای مردان به ثبت رسیده است و در سال ۱۳۹۰ استان گیلان با ۷۲/۳ سال برای زنان و ۷۴/۷ سال برای مردان بالاترین شاخص امید به زندگی را به خود اختصاص داده و در صدر جدول مشاهده می‌شود. نمودار ۲ و ۳ نشان می‌دهد که استان‌های سیستان و بلوچستان و ایلام در سال ۱۳۸۵ از امید به زندگی پایین‌تری نسبت به سایر استان‌ها برخوردارند و در سال ۱۳۹۰ نیز هم‌چنان استان سیستان و بلوچستان در رتبه آخر و استان کردستان در رتبه سی‌ام قرار گرفته است. از جمله عواملی که در افزایش امید به زندگی زنان نسبت به مردان در استان‌های کشور تأثیر فراوانی داشته‌اند، می‌توان به افزایش و توسعه خدمات بهداشتی در روستاها، کاهش باروری زنان، کاهش مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال و کاهش ازدواج دختران در سنین پایین اشاره کرد.



نمودار (۳): شاخص درآمد سرانه داخلی (میلیون ریال) بدون احتساب نفت

شاخص آموزشی و شاخص امید به زندگی، دو جزء مهم توسعه انسانی به‌شمار می‌روند. جزء سوم، شاخص درآمدی است که به‌علت این‌که این جزء در استان‌ها به شکل ناهمگون توزیع شده است، لذا از اطلاعات درآمدی (با احتساب و بدون احتساب نفت) استفاده کرده‌ایم و نتایج هر دو محاسبه را در مقاله آورده‌ایم. نمودار ۳ شاخص درآمد سرانه داخلی را در سال ۱۳۸۵ و سال ۱۳۹۰ بدون احتساب نفت نشان می‌دهد. مشاهده می‌شود که در سال ۱۳۸۵ بیش‌ترین میزان را استان تهران به‌خود اختصاص داده و معادل (۵۱/۷۴۲) میلیون ریال) بوده است. پس از آن استان مرکزی معادل (۳۴/۰۱۳) میلیون ریال)، استان بوشهر معادل (۳۱/۸۶۶) میلیون ریال) و استان سمنان معادل (۳۱/۲۴۱) میلیون ریال) بیش‌ترین میزان درآمد سرانه را داشته‌اند. استان‌های کم درآمد نیز شامل استان لرستان با درآمدی معادل (۱۵/۹۳۳) میلیون ریال)، استان کرستان (۱۵/۴۸۹) میلیون ریال)، استان کهگیلویه و بویراحمد (۱۵/۳۰۱) میلیون ریال) و سیستان و بلوچستان (۹/۶۱۵) میلیون ریال) می‌باشند.



نمودار (۴): شاخص درآمد سرانه داخلی (میلیون ریال) با احتساب نفت

نمودار ۴ نیز که مشاهده می‌شود، درآمد سرانه استان‌های ایران است که با احتساب نفت به‌دست آمده است. در این نمودار ملاحظه می‌شود استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ با درآمدی معادل (۱۴۲/۹۶۷) میلیون ریال و (۲۱۹/۴۳۴) میلیون ریال) بالاترین رتبه را دارا می‌باشد و پس از آن استان‌های بوشهر با درآمد سرانه‌ای معادل (۵۴/۲۷۴) میلیون ریال)، خوزستان (۸۵/۹۷۱) میلیون ریال) و تهران (۵۲/۳۸۱) میلیون ریال) بالاترین میزان را در سال ۱۳۸۵ داشته‌اند و هم‌چنین استان‌های خوزستان (۱۸۴/۸۳۵) میلیون ریال)، بوشهر (۲۰۴/۷۳۰) میلیون ریال) و تهران (۱۲۰/۸۵۰) میلیون ریال) در سال ۱۳۹۰ دارای بیش‌ترین درآمد سرانه ناخالص داخلی بوده‌اند.

وضعیت توسعه انسانی در استان‌های ایران؛ در این مقاله سعی شده است رتبه استان‌های کشور از لحاظ شاخص توسعه انسانی برای سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ محاسبه شود. برای محاسبه شاخص مذکور از

بررسی و رتبه‌بندی استان‌های ایران با استفاده از شاخص توسعه انسانی ...

آمار استخراج شده از مرکز آمار ایران، مرکز بهداشت استان کردستان و اطلاعات اخذ شده از مرکز آمار و اطلاعات استانداری کردستان استفاده شده است و با استفاده از روش شاخص‌بندی به رفع اختلاف مقیاس شاخص‌های توسعه انسانی اقدام نموده‌ایم. با محاسبه شاخص ترکیبی، رتبه استان‌های کشور مشخص شده است و می‌توانیم با مقایسه‌ی بین استان‌ها، به درجه توسعه‌یافتگی آنان پی‌ببریم. در محاسبات نویسنده‌گان و رتبه‌های حاصله به این نتیجه رسیدیم: از آن جایی که شاخص درآمد سرانه داخلی بیش‌تر از سایر شاخص‌های توسعه انسانی اثرگذار است و میزان آن با احتساب نفت و بدون احتساب نفت تفاوت زیادی را نشان می‌دهد، در نتیجه حاصل هر دو محاسبه را برای استفاده بیش‌تر محققان در اختیار آنان قرار می‌دهیم.

در جدول ۱ نتایج مربوط به محاسبات شاخص‌های توسعه و ترکیب آنان بدون لحاظ کردن درآمد نفتی در سرانه درآمد ناخالص داخلی به انجام رسیده است و مشاهده می‌شود که در سال ۱۳۸۵ تهران (۱۰۰)، سمنان (۸۵/۵۶)، مرکزی (۸۴/۸۸) و یزد (۸۴/۵۸) رتبه‌های اول تا پنجم را به‌خود اختصاص داده‌اند در حالی که در سال ۱۳۹۰ تهران (۹۰/۴۰) به رتبه دوم انتقال پیدا کرده و جای خود را به بوشهر (۹۷/۱۹) داده است و استان‌های یزد (۸۴/۶۳)، سمنان (۸۳/۳۲) و اصفهان (۸۲/۸۷) در رتبه‌های دوم تا پنجم جایگزین شده‌اند. هم‌چنین در رتبه‌های پایین‌تر یعنی رتبه‌های بیست‌وششم لغایت سی‌ام، استان‌های توسعه‌نیافته قرار دارند که در سال ۱۳۸۵ شامل استان‌های لرستان (۷۱/۴۶)، کهگیلویه و بویراحمد (۷۰/۶۹)، آذربایجان غربی (۷۰/۶۳)، کردستان (۶۹/۳۶) و سیستان و بلوچستان (۶۱/۲۲) هستند و در سال ۱۳۹۰ می‌توان به استان‌های خراسان شمالی (۷۰/۵۸)، لرستان (۷۰/۵۴)، کردستان (۷۰/۳۵)، آذربایجان غربی (۷۰/۳۲) و سیستان و بلوچستان (۶۳/۶۵) که رتبه‌های بیست‌وهفتم لغایت سی‌ویکم را دارند، اشاره کرد. همان‌طور که مشاهده می‌شود استان‌هایی هم‌چون کرمان و خراسان جنوبی افت چشمگیری داشته‌اند که در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ هر کدام به ترتیب از رتبه‌های ۱۱ به ۲۰ و هم‌چنین از ۲۰ به ۲۷ نزول پیدا کرده‌اند و این جای بسی تأمل است که علل ایجاد این تغییر نزولی مورد تحقیق قرار گیرد.

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال شانزدهم، شماره شصت و سوم، زمستان ۱۳۹۸

جدول (۱): رفع اختلاف مقیاس و محاسبه شاخص ترکیبی با استفاده از روش شاخص‌بندی برای استان‌های کشور (بدون احتساب نفت)

رتبه‌بندی شاخص ترکیبی	رتبه‌بندی شاخص ترکیبی	مقادیر شاخص‌های رفع اختلاف مقیاس شده									استان	رتبه
		شاخص ترکیبی		۱۳۹۰			۱۳۸۵					
		۱۳۹۰	۱۳۸۵	X3	X2	X1	X3	X2	X1			
۱	۱	۹۰/۴۰	۱۰۰	۷۲/۱۶	۱۰۰	۹۹/۰۵	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	تهران	۱	
۲	۲	۸۳/۲۲	۸۵/۵۶	۵۵/۲۱	۹۷/۶۸	۹۷/۰۷	۶۰/۳۸	۹۷/۰۴	۹۹/۲۵	سمنان	۲	
۳	۳	۷۸/۸۴	۸۴/۸۸	۴۵/۲۷	۹۲/۶۰	۹۸/۶۴	۶۵/۷۴	۹۱/۸۹	۹۷/۰۱	مرکزی	۳	
۴	۴	۸۴/۶۲	۸۴/۵۸	۵۸/۴۹	۹۷/۰۲	۹۸/۳۷	۵۹/۲۰	۹۶/۵۰	۹۸/۰۳	یزد	۴	
۵	۵	۹۷/۱۹	۸۴/۴۰	۱۰۰	۹۲/۳۸	۹۹/۱۸	۶۱/۶۲	۹۴/۶۳	۹۶/۹۴	بوشهر	۵	
۶	۶	۸۲/۸۷	۸۳/۹۷	۵۳/۲۲	۹۷/۰۲	۹۸/۳۷	۵۶/۸۲	۹۵/۸۴	۹۹/۲۵	اصفهان	۶	
۷	۷	۷۸/۵۰	۸۲/۶۶	۴۴/۱۴	۹۲/۹۳	۹۸/۴۴	۵۵/۱۲	۹۳/۸۷	۹۸/۹۸	فروین	۷	
۸	۸	۷۶/۸۴	۸۰/۵۹	۳۹/۶۹	۹۲/۲۷	۹۸/۵۷	۵۲/۵۲	۹۱/۵۷	۹۷/۶۹	خوزستان	۸	
۹	۹	۷۸/۵۲	۸۰/۴۵	۴۱/۲۷	۹۴/۷۰	۹۹/۵۹	۵۰/۰۳	۹۳/۱۰	۹۸/۲۳	مازندران	۹	
۱۰	۱۰	۷۵/۸۴	۷۸/۹۹	۳۸/۷۱	۹۲/۴۹	۹۶/۳۳	۵۳/۰۴	۹۰/۲۵	۹۳/۶۷	هرمزگان	۱۰	
۱۱	۱۱	۷۳/۰۱	۷۸/۸۱	۳۴/۴۷	۸۶/۱۹	۹۸/۳۷	۵۰/۰۲	۹۰/۶۹	۹۵/۷۱	کرمان	۱۱	
۱۲	۱۲	۷۶/۰۴	۷۸/۵۳	۳۴/۸۱	۹۵/۳۶	۹۷/۹۶	۴۲/۱۰	۹۴/۸۵	۹۸/۶۴	فارس	۱۲	
۱۳	*	۷۵/۲۴	*	۲۷/۰۱	۹۹/۶۷	۹۹/۰۵	*	*	*	البرز	۱۳	
۱۴	۱۳	۷۵/۶۵	۷۷/۴۹	۳۱/۶۰	۹۵/۶۹	۹۹/۶۶	۳۹/۳۲	۹۴/۳۰	۹۸/۸۴	قم	۱۴	
۱۵	۱۴	۷۵/۰۵	۷۶/۹۱	۳۳	۹۳/۱۵	۱۰۰	۳۹/۸۵	۹۱/۰۲	۹۹/۸۶	گیلان	۱۵	
۱۶	۱۵	۷۳/۸۹	۷۶/۸۸	۳۲/۲۰	۹۰/۷۲	۹۸/۶۴	۴۴/۱۳	۸۹/۳۸	۹۷/۱۴	آذربایجان شرقی	۱۶	
۱۷	۱۶	۷۴/۸۸	۷۶/۸۴	۳۴/۳۰	۹۵/۳۶	۹۴/۹۰	۳۹/۸۴	۹۴/۴۱	۹۶/۲۶	خراسان رضوی	۱۷	
۱۸	۱۷	۷۴/۲۸	۷۶/۰۴	۳۲/۴۸	۹۱/۰۵	۹۹/۳۲	۴۲/۰۴	۸۹/۴۹	۹۶/۶۰	زنجان	۱۸	
۱۹	۱۸	۷۳/۷۸	۷۴/۴۸	۳۱/۳۳	۹۱/۲۷	۹۸/۱۶	۳۶/۷۷	۹۰/۴۷	۹۶/۱۹	همدان	۱۹	
۲۰	۱۹	۷۲/۰۲	۷۳/۴۱	۲۴/۷۷	۹۱/۷۱	۹۹/۵۹	۳۴/۳۱	۸۹/۹۲	۹۵/۹۹	گلستان	۲۰	
۲۱	۲۰	۷۰/۵۸	۷۳/۳۱	۲۵/۵۹	۸۸/۷۳	۹۷/۴۱	۳۷/۹۲	۸۶/۶۴	۹۵/۳۷	خراسان شمالی	۲۱	
۲۲	۲۱	۷۲/۴۵	۷۳/۱۹	۲۹/۶۶	۹۱/۱۶	۹۶/۵۳	۳۲/۸۸	۹۰/۳۶	۹۶/۳۳	چهارمحال و بختیاری	۲۲	
۲۳	۲۲	۷۳/۷۱	۷۳/۱۲	۳۲/۹۰	۹۰/۸۳	۹۷/۴۱	۳۴/۲۸	۸۹/۹۲	۹۵/۱۷	کرمانشاه	۲۳	
۲۴	۲۳	۷۲/۱۰	۷۲/۹۰	۲۴/۲۸	۸۹/۲۸	۹۷/۷۶	۳۴/۸۸	۸۷/۶۲	۹۶/۱۹	اردبیل	۲۴	
۲۵	۲۴	۷۱/۷۴	۷۲/۷۶	۲۷/۶۷	۹۱/۱۶	۹۶/۳۹	۳۵/۵۷	۸۸/۸۳	۹۳/۸۸	خراسان جنوبی	۲۵	
۲۶	۲۵	۷۲/۰۵	۷۱/۶۷	۲۸/۳۳	۹۰/۹۴	۹۶/۸۷	۳۴/۴۱	۸۹/۷۰	۹۰/۸۸	ایلام	۲۶	
۲۷	۲۶	۷۰/۵۴	۷۱/۴۶	۲۴/۹۶	۸۸/۸۴	۹۷/۸۲	۳۰/۷۹	۸۸/۸۳	۹۴/۷۶	لرستان	۲۷	
۲۸	۲۷	۷۱/۳۹	۷۰/۶۹	۲۵/۳۸	۹۰/۵۰	۹۸/۳۰	۲۹/۵۷	۸۹/۳۸	۹۳/۱۳	کهگیلویه و بویراحمد	۲۸	
۲۹	۲۸	۷۰/۳۲	۷۰/۶۳	۲۵/۸۸	۸۷/۰۷	۹۸/۰۳	۳۱/۵۶	۸۵/۲۱	۹۵/۱۰	آذربایجان غربی	۲۹	
۳۰	۲۹	۷۰/۳۵	۶۹/۳۶	۲۶/۲۹	۹۰/۲۸	۹۴/۴۹	۲۹/۹۳	۸۴/۸۸	۹۳/۲۷	کردستان	۳۰	
۳۱	۳۰	۶۳/۶۵	۶۱/۲۲	۱۸/۸۴	۷۹/۱۲	۹۲/۹۹	۱۸/۵۸	۷۴/۴۸	۹۰/۶۱	سیستان و بلوچستان	۳۱	

منبع: محاسبات نگارندگان

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، شاخص ترکیبی توسعه انسانی در استان‌های کشور و در سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن و احتساب درآمد نفتی در سرانه درآمد ناخالص داخلی، استان‌های کهگیلویه و بویراحمد (۶۴/۱۷)، خوزستان (۸۳/۱۳)، تهران (۷۸/۸۸)، بوشهر (۷۶/۵۱) و سمنان (۷۲/۸۳) به ترتیب رتبه‌های اول تا پنجم توسعه انسانی را دارا می‌باشند و جزو توسعه‌یافته‌ترین استان‌ها از لحاظ توسعه انسانی هستند و استان‌های خراسان جنوبی (۶۵/۱۹)، لرستان (۶۵/۰۵)، آذربایجان غربی (۶۳/۹۱)، کردستان (۶۲/۹۹) و سیستان و بلوچستان (۵۷/۲۷) به ترتیب رتبه‌های آخر لیست یعنی: بیست و ششم لغایت سی ام را

بررسی و رتبه‌بندی استان‌های ایران با استفاده از شاخص توسعه انسانی ...

به خود اختصاص داده‌اند و جزو کم‌توسعه‌یافته‌ترین استان‌های کشور در سال ۱۳۸۵ هستند. هم‌چنین مقادیر مشاهده شده در سال ۱۳۹۰ با اندکی تفاوت نشان می‌دهند که استان‌های کهگیلویه و بویراحمد (۹۶/۲۷)، بوشهر (۹۴/۹۵)، خوزستان (۹۱/۶۹) و تهران (۸۴/۷۱) رتبه‌های اول تا چهارم را دارا هستند و استان‌های خراسان شمالی (۶۸/۴۰)، آذربایجان غربی (۶۸/۱۲)، کردستان (۶۶/۷۵) و سیستان و بلوچستان (۶۲/۰۴) در رتبه‌های آخر جای خود را تغییر نداده و در رتبه‌های بیست و هشتم تا سی و یکم قرار دارند.

جدول (۲): رفع اختلاف مقیاس و محاسبه شاخص ترکیبی با استفاده از روش شاخص‌بندی برای استان‌های کشور (با احتساب نفت)

رتبه بندی شاخص ترکیبی	شاخص ترکیبی	مقادیر شاخص‌های رفع اختلاف مقیاس شده									استان	رتبه
		۱۳۹۰			۱۳۸۵							
		X3	X2	X1	X3	X2	X1	X3	X2	X1		
۱	۱	۹۶/۲۷	۹۴/۱۷	۱۰۰	۹۰/۵۰	۹۸/۳۰	۱۰۰	۸۹/۲۸	۹۳/۱۳	۹۶/۲۷	کهگیلویه و بویراحمد	۱
۲	۲	۹۱/۶۹	۸۳/۱۳	۸۴/۲۳	۹۲/۲۷	۹۸/۵۷	۶۰/۱۳	۹۱/۵۷	۹۷/۶۹	۹۱/۶۹	خوزستان	۲
۳	۳	۸۴/۷۱	۷۸/۸۸	۵۵/۰۷	۱۰۰	۹۹/۰۵	۳۶/۶۴	۱۰۰	۱۰۰	۸۴/۷۱	تهران	۳
۴	۴	۹۴/۹۵	۷۶/۵۱	۹۳/۳۰	۹۲/۳۸	۹۹/۱۸	۳۷/۹۶	۹۴/۶۳	۹۶/۹۴	۹۴/۹۵	بوشهر	۴
۵	۵	۷۸/۷۲	۷۲/۸۳	۴۱/۴۱	۹۷/۶۸	۹۷/۰۷	۲۲/۲۰	۹۷/۰۴	۹۹/۲۵	۷۸/۷۲	سمنان	۵
۶	۶	۷۸/۳۴	۷۲/۳۵	۳۹/۶۵	۹۷/۰۲	۹۸/۳۷	۲۱/۹۶	۹۵/۸۴	۹۹/۲۵	۷۸/۳۴	اصفهان	۶
۷	۷	۷۹/۶۵	۷۱/۹۹	۴۳/۵۶	۹۷/۰۲	۹۸/۳۷	۳۱/۴۴	۹۶/۵۰	۹۸/۰۳	۷۹/۶۵	یزد	۷
۸	۸	۸۰/۶۰	۷۱/۶۱	۵۴	۹۰/۹۴	۹۶/۸۷	۳۴/۲۵	۸۹/۷۰	۹۰/۸۸	۸۰/۶۰	ایلام	۸
۹	۹	۷۷/۴۷	۷۱/۴۹	۴۱/۱۷	۹۲/۶۰	۹۸/۶۴	۳۵/۵۷	۹۱/۸۹	۹۷/۰۱	۷۷/۴۷	مرکزی	۹
۱۰	۱۰	۷۶/۶۷	*	۳۱/۳۰	۹۹/۶۷	۹۹/۰۵	*	*	*	۷۶/۶۷	البرز	۱۰
۱۱	۱۰	۷۴/۷۶	۷۰/۹۴	۳۲/۹۲	۹۲/۹۳	۹۸/۴۴	۱۹/۹۷	۹۳/۸۷	۹۸/۹۸	۷۴/۷۶	قزوین	۱۱
۱۲	۱۱	۷۳/۵۰	۶۹/۸۳	۳۷/۱۷	۹۵/۳۶	۹۷/۹۶	۱۶/۰۱	۹۴/۸۵	۹۸/۶۴	۷۳/۵۰	فارس	۱۲
۱۳	۱۲	۷۵/۰۱	۶۹/۸۲	۳۰/۷۴	۹۴/۷۰	۹۹/۵۹	۱۸/۱۳	۹۳/۱۰	۹۸/۳۳	۷۵/۰۱	مازندران	۱۳
۱۴	۱۳	۷۲/۹۹	۶۹/۱۶	۲۳/۶۳	۹۵/۶۹	۹۹/۶۶	۱۴/۳۲	۹۴/۳۰	۹۸/۸۴	۷۲/۹۹	قم	۱۴
۱۵	۱۴	۷۲/۳۲	۶۸/۴۴	۲۳/۸۳	۹۳/۱۵	۱۰۰	۱۴/۴۳	۹۱/۰۲	۹۹/۸۶	۷۲/۳۲	گیلان	۱۵
۱۶	۱۵	۷۱/۹۶	۶۸/۳۸	۲۵/۶۳	۹۵/۳۶	۹۴/۹۰	۱۴/۴۷	۹۴/۴۱	۹۶/۲۶	۷۱/۹۶	خراسان رضوی	۱۶
۱۷	۱۶	۷۵/۹۴	۶۸/۲۵	۳۹/۰۲	۹۲/۴۹	۹۶/۳۳	۲۰/۸۲	۹۰/۲۵	۹۳/۶۷	۷۵/۹۴	هرمزگان	۱۷
۱۸	۱۷	۷۱/۷۰	۶۸/۱۸	۲۵/۹۱	۹۰/۸۳	۹۸/۳۷	۱۸/۱۲	۹۰/۶۹	۹۵/۷۱	۷۱/۷۰	کرمان	۱۸
۱۹	۱۸	۷۱/۷۸	۶۷/۵۶	۲۵/۹۸	۹۰/۷۲	۹۸/۶۴	۱۶/۱۶	۸۹/۳۸	۹۷/۱۴	۷۱/۷۸	آذربایجان شرقی	۱۹
۲۰	۱۹	۷۱/۵۵	۶۷/۱۴	۲۴/۲۹	۹۱/۰۵	۹۹/۳۲	۱۵/۳۲	۸۹/۴۹	۹۶/۶۰	۷۱/۵۵	زنجان	۲۰
۲۱	۲۰	۷۱/۰۲	۶۶/۶۶	۲۳/۶۲	۹۱/۲۷	۹۸/۱۶	۱۳/۳۱	۹۰/۴۷	۹۶/۱۹	۷۱/۰۲	همدان	۲۱
۲۲	۲۱	۶۹/۹۳	۶۶/۲۰	۲۲/۱۰	۹۱/۱۶	۹۶/۵۳	۱۱/۹۲	۹۰/۳۶	۹۶/۳۳	۶۹/۹۳	چهارمحال و بختیاری	۲۲
۲۳	۲۲	۶۹/۹۲	۶۶/۱۱	۱۸/۴۶	۹۱/۷۱	۹۹/۵۹	۱۲/۴۴	۸۹/۹۲	۹۵/۹۹	۶۹/۹۲	گلستان	۲۳
۲۴	۲۳	۷۱	۶۵/۸۷	۲۵/۳۲	۹۰/۳۸	۹۷/۴۱	۱۳/۵۲	۸۹/۹۲	۹۵/۱۷	۷۱	کرمانشاه	۲۴
۲۵	۲۴	۶۹/۶۱	۶۵/۴۸	۲۱/۷۹	۸۹/۳۸	۹۷/۷۶	۱۲/۶۳	۸۷/۶۲	۹۶/۱۹	۶۹/۶۱	اردبیل	۲۵
۲۸	۲۵	۶۸/۴۰	۶۵/۲۵	۱۹/۰۵	۸۸/۷۳	۹۷/۴۱	۱۳/۷۲	۸۶/۶۴	۹۵/۳۷	۶۸/۴۰	خراسان شمالی	۲۶
۲۶	۲۶	۶۹/۳۸	۶۵/۱۹	۲۰/۵۹	۹۱/۱۶	۹۶/۳۹	۱۲/۸۸	۸۸/۸۳	۹۳/۸۸	۶۹/۳۸	خراسان جنوبی	۲۷
۲۷	۲۷	۶۸/۴۵	۶۵/۰۵	۱۸/۶۸	۸۸/۸۴	۹۷/۸۲	۱۱/۵۷	۸۸/۸۳	۹۴/۷۶	۶۸/۴۵	لرستان	۲۸
۲۹	۲۸	۶۸/۱۲	۶۳/۹۱	۱۹/۲۶	۸۷/۰۷	۹۸/۰۳	۱۱/۴۳	۸۵/۲۱	۹۵/۱۰	۶۸/۱۲	آذربایجان غربی	۲۹
۳۰	۲۹	۶۶/۷۵	۶۲/۹۹	۱۹/۵۷	۸۶/۱۹	۹۴/۴۹	۱۰/۸۳	۸۴/۸۸	۹۳/۲۷	۶۶/۷۵	کردستان	۳۰
۳۱	۳۰	۶۲/۰۴	۵۷/۲۷	۱۴/۰۲	۷۹/۱۲	۹۲/۹۹	۶/۷۳	۷۴/۴۸	۹۰/۶۱	۶۲/۰۴	سیستان و بلوچستان	۳۱

منبع: محاسبات نگارندگان

وضعیت توسعه انسانی در استان کردستان: بررسی تطبیقی و تحلیل شاخص‌های توسعه انسانی در سطح استان‌های کشور، بیانگر پراکندگی بالای شاخص مذکور می‌باشد. همان‌طور که از جداول ۴ و ۵ برمی‌آید، شاخص امید به زندگی در استان کردستان ۷۰/۸ برای زنان و ۶۸/۱ برای مردان در سال ۱۳۹۰ است؛ با وجود این که نسبت به سال ۱۳۸۵ میزان آن بالاتر رفته اما جایگاه آن در مقایسه با سایر استان‌های کشور از رتبه بیست و هشتم به سی‌ام رسیده است و در حقیقت با آخرین میزان کشوری یک رتبه اختلاف دارد.

در تحلیل نرخ آموزشی رتبه استان به مرتبه‌ای بالاتر صعود پیدا کرده و از رتبه ۲۹ در سال ۱۳۸۵ با ۷۷/۵ درصد باسواد به رتبه ۲۵ با ۸۱/۷ درصد رسیده است. اما در تحلیل سرانه درآمدی، پراکندگی زیادی در استان‌های کشور دیده می‌شود؛ همان‌طور که در قسمت‌های قبل نیز ذکر شد، احتساب و عدم احتساب نفت در درآمد ناخالص داخلی تأثیر چشم‌گیری در نتیجه محاسبات حاصل آورده است، به‌همین خاطر در این بررسی از هر دو نتیجه استفاده کرده‌ایم و نتایج را می‌توان ملاحظه نمود. درآمد سرانه استان کردستان (با احتساب نفت) با وجود این که از رتبه بیست و نهم در سال ۱۳۸۵ (معادل ۱۵/۴۹۰ میلیون ریال) به رتبه بیست و ششم در سال ۱۳۹۰ (معادل ۴۲/۹۳۳ میلیون ریال) رسیده است، اما با این وجود اختلاف بسیار زیادی با بالاترین سطح درآمد سرانه کشور که مربوط به استان کهگیلویه و بویراحمد (معادل ۲۱۹/۴۳۴ میلیون ریال) است، دارد. همین‌طور در رابطه با درآمد سرانه بدون احتساب نفت، رتبه استان از بیست و هشتم به بیست و پنجم ارتقا پیدا کرده است (از ۱۵/۴۸۹ میلیون ریال به ۴۲/۹۲۹ میلیون ریال رسیده است) اما میزان درآمد سرانه استان کردستان و همچنین استان‌های کم درآمد در مقایسه با استان‌های با درآمد سرانه بالا (۱۶۳/۲۸۱ میلیون ریال)، زیاد بوده و مشاهده می‌شود که احتساب و عدم احتساب نفت جز در برخی استان‌های کشور خصوصاً استان‌های جنوبی و استان تهران، تغییر قابل توجهی را در سطح درآمدی و ارتقای توسعه انسانی پدید نیاورده است.

بنابراین نتایج محاسبات نشان می‌دهد که استان کردستان در تمامی شاخص‌های مورد بررسی در بین سایر استان‌های ایران، در رتبه‌های ۲۵ تا ۳۱ قرار دارد و در زمره استان‌های با توسعه انسانی پایین می‌باشد. شاخص ترکیبی توسعه انسانی نیز نشان‌دهنده رتبه بیست و نهم و سی‌ام استان در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ است که در طول سال‌های متمادی این رتبه پیشرفت نداشته و برنامه‌های توسعه‌ای بایستی با جدیت بیش از پیش وضع و دنبال شوند.

بررسی و رتبه‌بندی استان‌های ایران با استفاده از شاخص توسعه انسانی ...

جدول (۴): شاخص‌های توسعه انسانی در استان کردستان در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

شاخص	شاخص امید به زندگی			نرخ باسوادی		درآمد سرانه ناخالص داخلی - میلیون ریال)				توسعه انسانی در کشور	
	زن	مرد	رتبه در کشور	رتبه در کشور	رتبه در کشور	رتبه در کشور	رتبه در کشور	رتبه در کشور	رتبه با احتساب نفت	رتبه بدون احتساب نفت	
۱۳۸۵	۶۹/۵	۶۷/۶	۲۸	۷۷/۵	۲۹	۱۵/۴۹۰	۲۹	۱۵/۴۸۹	۲۹	۲۹	
۱۳۹۰	۷۰/۸	۶۸/۱	۳۰	۸۱/۷	۲۵	۴۲/۹۲۳	۲۶	۴۲/۹۲۹	۳۰	۲۹	

منبع: محاسبات نگارندگان بر اساس اطلاعات مأخوذه از گزارش‌های آمار و اطلاعات استانداری استان کردستان و مرکز آمار ایران.

جدول (۵): شاخص‌های توسعه انسانی در برترین و آخرین استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

شاخص	شاخص امید به زندگی			نرخ باسوادی		درآمد سرانه ناخالص داخلی - میلیون ریال)				توسعه انسانی در کشور	
	زن	مرد	رتبه در کشور	رتبه در کشور	رتبه در کشور	رتبه در کشور	رتبه در کشور	رتبه در کشور	رتبه با احتساب نفت	رتبه بدون احتساب نفت	
مقادیر برترین استان کشور											
۱۳۸۵	۷۵/۱	۷۱/۹	۱	۹۱/۳	۲۹	۱۴۲/۹۶۷	۱	۵۱/۷۴۲	۱	۱	
۱۳۹۰	۷۴/۷	۷۲/۳	۱	۹۰/۵	۲۵	۲۱۹/۴۳۴	۱	۱۶۲/۲۸۱	۱	۱	
مقادیر آخرین استان کشور											
۱۳۸۵	۶۹/۵	۶۷/۲	۳۰	۶۸/۰	۳۰	۹/۶۱۵	۳۰	۹/۶۱۵	۳۰	۳۰	
۱۳۹۰	۶۷/۵	۶۵/۷	۳۱	۷۱/۶	۳۱	۳۰/۷۶۹	۳۱	۳۰/۷۷۰	۳۱	۳۱	

منبع: محاسبات نگارندگان بر اساس اطلاعات مأخوذه از گزارش‌های آمار و اطلاعات استانداری استان کردستان و مرکز آمار ایران.

* تعداد استان‌های کشور در سال ۱۳۸۵، برابر با ۳۰ استان بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

سازمان ملل متحد برای نشان دادن توسعه اقتصادی کشورها از شاخصی به نام توسعه انسانی استفاده می‌کند. این سازمان سالانه گزارشی تحت عنوان «گزارش توسعه انسانی» منتشر می‌کند که بخشی از این گزارش به محاسبه شاخص توسعه انسانی برای ۱۸۷ کشور مختلف از جمله ایران اختصاص دارد. شاخص توسعه انسانی یک شاخص ترکیبی است که سه عامل طول عمر، دانش و رفاه اقتصادی را بررسی می‌کند. در واقع شاخص توسعه انسانی بر اساس نماگرهای کیفیت فیزیکی زندگی است. بهبود این شاخص به معنی بهتر شدن محیط برای مردم در برخورداری از زندگی طولانی‌تر، سالم‌تر و سازنده‌تر است که به منزله بهبود شرایط برای توسعه انسانی و در نتیجه فراهم کردن رشد پایدار اقتصادی است.

در طول چند دهه اخیر، علیرغم اینکه توسعه همواره موضوع روز جامعه بوده و نهادهای متعددی برای کمک به توسعه استان‌های کم‌تر توسعه یافته مجهز شده و تلاش جدی از سوی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران

داخلی برای خروج از عقب‌ماندگی و رسیدن به توسعه مطلوب به عمل آمده است، اما با این وجود، وضعیت این استان‌ها و علی‌الخصوص استان کردستان نسبت به چند دهه پیش نه تنها به لحاظ پیشرفت کمی چندان عوض نشده است بلکه در بسیاری از موارد کیفیت زندگی وضع نامطلوب‌تری هم پیدا کرده است. حداکثر می‌توانیم بگوییم اوضاع کم و بیش ثابت مانده است و هنوز نتوانسته است از مدار عقب‌افتادگی خارج شود. مطابق با یافته‌های این بررسی در شاخص‌های توسعه انسانی، نشان داد که استان‌های تهران، سمنان، مرکزی و یزد به ترتیب از نظر شاخص توسعه انسانی در سال ۱۳۸۵ و بدون احتساب نفت، از سایر استان‌ها بالاتر بوده که در مقابل استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، آذربایجان غربی و کهگیلویه و بویراحمد در پایین‌ترین سطوح توسعه انسانی نسبت به سایر استان‌های کشور قرار گرفته‌اند. هم‌چنین در همین سال با توجه به این که درآمد ناخالص را با احتساب نفت، در نظر گرفتیم، نتایج متفاوت بود و استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، تهران، بوشهر و سمنان به صدر جدول تغییر یافتند و استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، آذربایجان غربی و لرستان هم‌چنان در سطوح پایین جدول قرار داشتند. از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی می‌توان به درآمد سرانه اشاره کرد. تحریم‌های بین‌المللی، کاهش قیمت نفت و تعطیلی بسیاری از بنگاه‌های تولیدی از عمده عوامل کاهش درآمد ملی هستند که کاهش درآمد سرانه را نیز در پی دارند.

نتایج سال ۱۳۹۰ نیز در مقایسه با پنج سال قبل تفاوت‌های چندانی را در استان‌های محروم حاصل نیاورده بود و هم‌چنان استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، لرستان و آذربایجان غربی در رتبه‌های پایین جدول حضور دارند و استان خراسان شمالی نیز در این سال به رتبه‌های پایین اضافه شده است. اما در رتبه‌های یکم تا پنجم توسعه انسانی بدون احتساب نفت در سال ۱۳۹۰ مشاهده می‌شود که استان بوشهر به صدر جدول رسیده است و استان‌های تهران، یزد، سمنان و اصفهان در رتبه‌های دوم تا پنجم قرار گرفته‌اند. عامل مشترک در روند توسعه انسانی بیشتر استان‌ها سطح پایین درآمد سرانه آن‌ها در مقایسه با سطح آموزشی و امید به زندگی نسبتاً بالای آن‌ها بود. از آن‌جا که شاخص توسعه انسانی، میانگینی از سه عامل امید به زندگی (بهداشتی)، آموزشی و رفاه اقتصادی (درآمد سرانه) است و با توجه به ثبات تقریبی شاخص آموزشی و تغییر بسیار اندک شاخص بهداشتی، درآمد سرانه نقش بسزایی را در کاهش شاخص توسعه انسانی ایفا کرده است. سهم اعظمی از سیاست‌های دولت باید در جهت رشد اقتصادی باشد به این معنا که امنیت سرمایه‌گذاری را برای سرمایه‌گذاران فراهم کند تا منجر به تحرک تولید و اشتغال شود. بهبود تولید و اشتغال منجر به بالارفتن درآمد سرانه که یکی از فاکتورهای شاخص توسعه انسانی می‌شود. البته دولت نباید غافل از اجرای سیاست‌هایی شود که در جهت بهبود بهداشت و آموزش کشور است. چون الزامی برای واحد بودن سیاست‌های رشد اقتصادی و بهبود بهداشت و آموزش نیست. اجرای سیاست‌هایی در جهت بهبود بهداشت و آموزش منجر به افزایش بهره‌وری نیروی کار می‌شود که افزایش بهره‌وری خود می‌تواند وضعیت تولید را

بررسی و رتبه‌بندی استان‌های ایران با استفاده از شاخص توسعه انسانی ...

بهتر نماید. در حقیقت در امر توسعه و نوسازی، عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز بسیار حایز اهمیت است زیرا که هر جامعه‌ای با ارزش‌ها و ایده‌آل‌های اجتماعی همراه است که اساس و بنیان توسعه را تشکیل می‌دهد. توسعه به معنای کامل آن نه تنها شامل بالا بردن سطح زندگی اقتصادی و نجات از فقر و درماندگی و بی‌سوادی است، بلکه در برگیرنده نهادها و بنیان‌های فکری و روابط اجتماعی، گروهی و طبقاتی تعلیم و تربیت تولید دانش، ابداعات تکنولوژی حساسیت‌های اجتماعی و منطقی علمی و مهارت‌های هنری، ظرافت‌های ادبی و نظام قضاوت و ... نیز هست؛ اگر جامعه‌ای با سطح فرهنگی سنتی بسته که معطوف به گذشته است گرفتار باشد و نتواند بین گذشته، حال و آینده تعادل مطلوب برقرار کند، چگونه می‌توان انتظار پیشرفت و توسعه از آن را داشت؟

همان‌طور که در بحث نوسازی عنوان نمودیم عوامل داخلی در کشورها، از جمله بی‌سوادی، ساختار اجتماعی سنتی، تقسیم پایین نیروی کار و غیره که شاخص‌های توسعه انسانی نیز جزو عوامل درونی به حساب می‌آیند، مسئول عقب‌ماندگی هستند و در نتیجه تغییر در این عوامل درون‌زا راهبرد توسعه است. در پارادایم نوسازی نقش نیروی انسانی محقق، خلاق و مبتکر بی‌نهایت پررنگ است و در این الگو مادامی که افزایش دانش، کنار گذاشتن دیدی سنتی به جمعیت و مشارکت فعال مردم در فرآیند درآمدزایی و اشتغال ضروری شمرده نشوند، راه درست و موفق دستیابی به توسعه همه‌جانبه و پایدار امکان‌پذیر نخواهد بود. بررسی و تحلیل توسعه انسانی استان کردستان نشان می‌دهد که این استان به لحاظ توسعه انسانی در وضعیت نامطلوبی قرار گرفته است، به‌گونه‌ای که از نظر شاخص توسعه انسانی رتبه ۲۹ را در سال ۱۳۸۵ و رتبه ۳۰ را در سال ۱۳۹۰ در میان سایر استان‌های کشور به خود اختصاص داده است. کردستان از جمله استان‌های توسعه‌نیافته‌ای است که با وجود جوان بودن جمعیت خویش همواره با مشکلات اساسی مانند: نرخ بیکاری بسیار بالا (۱۳/۶ درصد؛ در حالی که نمایندگان استان بر نرخ ۴۳ درصدی نرخ بیکاری اذعان دارند)، عدم استفاده بهینه از ظرفیت‌های طبیعی، اقتصادی، فرهنگی استان و ضعف زیرساخت‌ها مواجه بوده است. مواردی که در صورت برنامه‌ریزی صحیح طی برنامه‌های (کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت) می‌توانست درآمد خوبی برای استان در پی داشته باشد و سهمی در ایجاد اشتغال ایفا کند و از نرخ بسیار بالای بیکاری استان بکاهد. با این توصیف و با در نظر گرفتن مزیت‌های نسبی که کردستان داراست و زمینه‌های مساعدی برای توسعه‌یافتگی دارد، توسعه شاخص‌های انسانی آن و نوسازی آن می‌بایست جزو سیاست‌های کلان سیاست‌گذاران توسعه‌کشوری باشد زیرا توجه به تک تک استان‌های کشور و شهروندان هم می‌تواند به مثابه عوامل زمینه‌ساز توسعه‌ای همه‌جانبه قرار گیرد و هم عقب‌ماندگی آنان می‌تواند به‌عنوان موانع توسعه عمل نماید. در این راستا می‌بایست به موارد ذیل اهمیت داده شود:

- در بحث مربوط به نوسازی اقتصادی و گسترش نهادها می‌بایست به امر اشتغال و درآمدزایی شهروندان توجه شایانی مبذول شود.
- تجهیز کردن و اولویت دادن به مدارس و کودکان و نوجوانان برای اجرای برنامه‌های توسعه فرهنگی و اجتماعی در تربیت نیروی انسانی ماهر و تحصیلکرده بسیار بااهمیت است.
- اهتمام بیشتر به کشف استعدادها و نخبگان خلاق و مبتکر امری ضروری است.
- با توجه به جوان بودن جمعیت استان کردستان، بهتر است کلیه برنامه‌ریزی‌های شهری جوانان در اولویت قرار گرفته و به‌خصوص زمینه‌های مشارکت واقعی آنان در امر اشتغال فراهم شود.
- افزایش سرمایه‌گذاری برای افزایش اشتغال قشر بیکاران استان و شناخت زمینه‌های مؤلف اقتصادی و سرمایه‌گذاری برای گسترش و اشتغال مؤلف در استان، به‌گونه‌ای که منجر به افزایش درآمد سرانه و ایجاد امکانات اقتصادی، اجتماعی مردم شود، از سوی دیگر، می‌تواند در افزایش میزان توسعه انسانی مؤثر باشد.

منابع

- ابراهیم‌پور، صدیقه. (۱۳۸۹). «رتبه‌بندی استان‌های ایران بر اساس شاخص‌های توسعه انسانی در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵»، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد.
- ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات کیهان.
- آذر، عادل، غلامرضایی، داوود. (۱۳۸۵). «رتبه‌بندی استان‌های کشور با رویکرد تحلیل پوششی داده‌ها (با به‌کارگیری شاخص‌های توسعه انسانی)»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال هشتم، شماره ۲۷.
- افشارکهن، جواد. (۱۳۸۶). «توسعه‌نیافتگی ناگزیر: طرح فرضیه‌ای پیرامون شرایط جوامع توسعه‌نیافته»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هشتم، شماره ۲.
- باصری، بیژن، فرهادی کیا، علیرضا. (۱۳۸۷). «تحلیل عوامل مؤثر بر شاخص توسعه انسانی در استان زنجان»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۴۷.
- بختیاری، صادق، دهقانی‌زاده، مجید، حسین‌پور، سید مجتبی. (۱۳۸۵). «بررسی جایگاه استان‌های کشور از منظر شاخص توسعه انسانی»، مجله دانش و توسعه، شماره ۱۹.
- پورمحمدی، محمدرضا، زالی، نادر. (۱۳۸۳). «توسعه انسانی، چالش‌های و چشم‌اندازها (با نگاهی تحلیل به شاخص‌های توسعه انسانی در ایران)»، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز، شماره ۱۵.
- تائب، سعید. (۱۳۸۶). «توسعه منطقه‌ای با مدیریت اقتصادی ملی»، نگرش راهبردی (ویژه نامه سند چشم‌انداز - راهبرد منطقه‌گرایی)، شماره ۸۷.
- جمعه‌پور، محمود. (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها، تهران: سمت.

بررسی و رتبه‌بندی استان‌های ایران با استفاده از شاخص توسعه انسانی ...

- حسین‌زاده دلیر، کریم، ملکی، سعید. (۱۳۸۵). «بررسی وضعیت شاخص‌های توسعه انسانی در استان ایلام»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ششم.
- خاکپور، براتعلی، باوان‌پوری، علیرضا. (۱۳۸۹). «بررسی شاخص توسعه انسانی در کشورهای اسلامی»، چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام (ICIWG, 2010).
- دهمرده، نظر، اسفندیاری، مرضیه، رادنیاء، مرجان. (۱۳۸۹). «ارزیابی شاخص توسعه انسانی در استان سیستان و بلوچستان»، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۶.
- زیاری، کرامت‌الله، محمدی، اکبر، عطار، خلیل. (۱۳۹۰). «بررسی درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های کشور و رابطه آن با نرخ شهرنشینی»، مجله برنامه‌ریزی فضایی، شماره ۳.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. (۱۳۷۸). اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- سیف‌اللهی، سیف‌الله. (۱۳۷۴). اقتصاد سیاسی ایران؛ مجموعه مقاله‌ها و نظرها، تهران: پژوهشکده جامعه‌پژوهی و برنامه‌ریزی المیزان.
- شایان، حمید. (۱۳۸۳). «تنگاهای توسعه در استان‌های مرزی کشور»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۷.
- صادقی، حسین، عبداللهی حقی، سولماز، عبدالله زاده، لیلا. (۱۳۸۶). «توسعه انسانی در ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴.
- صفایی‌پور، مسعود، مودت، الیاس. (۱۳۹۲). «ارزیابی استان‌های ایران با تأکید بر شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی و شاخص ترکیبی توسعه انسانی با استفاده از تکنیک TOPSIS و GIS»، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، سال اول، شماره سوم.
- کلانتری، خلیل. (۱۳۹۲). برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوری‌ها و تکنیک‌ها)، تهران: خوشبین.
- محمدپور، احمد. (۱۳۸۳). «بررسی جامعه‌شناختی - تطبیقی فرآیند و وضعیت کم‌توسعه‌یافتگی اقتصادی اجتماعی در کردستان ایران (در دوره‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۷۵ هجری شمسی)»، فصلنامه زیربار، سال هشتم، شماره ۵۵.
- محمد علیخانی، سلیمه، آصف‌زاده، سعید، محبی‌فر، رفعت، منتظری، علی. (۱۳۹۱). «بررسی شاخص توسعه انسانی (HDI) در ایران و کشورهای منتخب»، فصل‌نامه پایش، سال یازدهم، شماره چهارم.
- محمودی، محمدجواد. (۱۳۸۸). «محاسبه شاخص توسعه انسانی - کشور، استان تهران و شهرستان‌های آن»، فصلنامه جمعیت، شماره ۶۷ و ۶۸.

- محمودی، وحید. (۱۳۸۵). «سرمایه انسانی، توانمندی انسانی». مجله سیاسی اقتصادی. شماره ۲۲۵ و ۲۲۶. صص ۲۲۷-۲۲۰.
- مصلی نژاد، غلامعباس. (۱۳۸۴). دولت و توسعه اقتصادی در ایران، تهران، انتشارات قومس.
- مضطرزاده، فتح‌الله، علیزاده، رضا، وزیری، غلامحسین. (۱۳۹۱). «مقایسه توسعه انسانی در ایران و کشورهای منطقه (بر اساس گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۲۰۱۱)»، نشریه صنعت و دانشگاه، سال پنجم، شماره ۱۵ و ۱۶.
- مهدوی، مسعود، علیایی، محمدصادق، ایل بیگی، نوشین. (۱۳۸۸). «نقش عوامل اقتصادی-اجتماعی در توسعه نیافتگی روستایی (بخش کرفتو شهرستان دیواندره)»، مجله جامعه‌شناسی معاصر، سال اول، شماره چهارم.
- نراقی، یوسف. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی و توسعه، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز.

- Anand, S. and Sen, A. K. (1996). Sustainable Human Development: Concepts and priorities, Office of Development Studies Discussion Paper, No. 1, New York, UNDP.
- Bed, Jatinder, S. and Ramachandran. (2008). Human Development Index for Rural Andhra Pradesh. NCAER, working paper. No.99.
- Garai. A. (2005). Processes and Appropriation of ICT in Human Development in Rural India: A Theoretical approach, New Delhi: one world South Asia.
- Grimm, Michael et' All. (2008). A Human Development Index by Income Groups, World Development Vol. xx, No x, pp. xxx-xxx, Available at: www.elsevier.com/locate/worlddev.
- Kuhnen, Frithjof. (1986, 1987). Causes of Underdevelopment and Concepts for Development, The Journal of Institute of Development, Development Studies, Studies NWFPAgricultural, Vol. VIII, University Peshawar.
- Mishra, S. K. (2006). A Note on Human Development Indices with Income Equalities Available at: SSRN: http://Papers.Ssrn.com/so13/papers.cfm?abstract_id=992854
- Morse, Stephen. (2003). ANALYSIS for better or for worse, till the human development index do us part? Ecological Economics No. 45.
- Neumayer, Eric. (2001). The Human Development Index and Sustainability: A Constructive Proposal, Ecological Economics, No: 39.
- Noorbakhsh, F. (1998). A Modified Human Development Index, World Development, Vol. 26, No. 3.